



سازمان آموزش پرورش استثنایی

سپوه نامه کارش و تصحيح اطلاعاتی فارسی در خط بریل



معاونت برنامه ریزی آموزشی و توانبخشی

گروه دانش آموزان آسیب دیده بینایی

سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیوه نامه نگارش و تصحیح املاهای فارسی در خط بریل

معاونت برنامه ریزی آموزشی و توانبخشی

گروه دانش آموزان آسیب دیده بینایی

سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

به نام خداوند لوح و قلم

فهرست

۳	مقدمه.....
۵	قواعد کلی در تصحیح املا.....
۶	همزه.....
۸	حرف الف.....
۱۰	دو شکل حرف صامت صدادار(و).....
۱۰	مخفف صیغه‌های زمان حال بودن.....
۱۱	املای بعضی واژه‌ها و پسوندها.....
۱۵	ضمایر ملکی.....
۱۶	کسره اضافه.....
۱۷	که.....
۱۷	واژه‌های مرکب.....
۱۹	مصوت مرکب(او).....
۱۹	می وهمی.....
۲۰	حرف «ن» علامت نفی.....
۲۰	"ه" غیر ملفوظ.....
۲۱	های جمع.....
۲۲	هم.....
۲۲	همین و همان.....
۲۲	پسوند «ی».....
۲۳	تشدید.....
۲۳	غلط املایی.....
۲۴	منابع.....

مقدمه

فرهنگستان زبان و ادب فارسی بیش از دو دهه است که به کار گردآوری مجموعه قواعد و ضوابط خط فارسی و بازنگری و تنظیم و تدوین آن پرداخته است؛ با این هدف که خط نیز مانند زبان پیرو اصول و ضوابطی باشد که آن را «دستور خط» نامیده‌اند. این ضوابط مدون، هویت خط را تثبیت می‌کند و محفوظ می‌دارد. به خصوص در سال‌های اخیر که استفاده از رایانه در عرصه خط و زبان روزافزون شده و شمار کسانی که به امر چاپ و تکثیر مشغول‌اند، بسیار افزایش یافته و در نتیجه اعمال سلیقه در این دو عرصه نیز نسبت به گذشته بیشتر شده است.

فرهنگستان از سال ۱۳۷۲ که به ابتکار آقای دکتر حسن حبیبی، ریاست وقت فرهنگستان، کمیسیونی بدین منظور تشکیل داد، تا تیرماه ۱۳۸۰ که «دستور خط فارسی» تصویب شد، در پی آن بود که خط فارسی را تا سرحد امکان قانونمند و قاعده‌پذیر کند و به این ترتیب، مانع بروز آشفتگی و هرج و مرج در آن شود؛ در این میان از توجه به طبیعت خط فارسی و نیز ذوق و سلیقه و پسند اهل فن غفلت نکرد.

در این سال‌ها وزارت آموزش و پرورش کشور نیز تلاش کرده است خط و نگارش کتاب‌های درسی را هرچه بیشتر با قوانین مصوب فرهنگستان همسو و هماهنگ کند؛ گرچه همچنان شاهدیم که قوانین یکسانی برای خط حتی در کتاب‌های مختلف یک پایه مثل تاریخ و جغرافی و ادبیات مراعات نمی‌شود؛ مثل قوانین جدانویسی و سرهم نویسی واژه‌های غیر بسیط و قانون یای کوتاه (ء) در کلمات مختوم به «های» غیر ملفوظ (مثل نامه‌من). کتاب‌های درسی بریل نیز از این قوانین و مشکلات آن مستثنی نیستند؛ اگرچه در کل تلاش شده است که دانش‌آموزان دستور خط نسبتاً ثابت و درستی را بیاموزند.

املائی فارسی، انشا و نگارش درست متون، به خصوص برای دانش‌آموزان نابینا از اهمیت فراوانی برخوردار است. از آن جایی که این دانش‌آموزان کمتر به کتب بریل دسترسی دارند و در پایه‌های تحصیلی بالاتر اغلب از کتاب‌های درسی صوتی استفاده می‌کنند، املائی صحیح کلمات را به درستی نمی‌آموزند.

علاوه بر غلط‌های جابه‌جایی حروف هم‌آوا (مثل غ و ق)، جدا نویسی و سرهم نویسی برخی واژه‌های مرکب و شکل‌های مختلف همزه از مشکلات نوشتاری دانش‌آموزان است. بحث بر سر کاربرد همزه، جدانویسی و سرهم نویسی واژه‌ها، استفاده از نشانه‌های ثانوی (مثل تشدید و مدّ و تنوین) بین معلمان و دست‌اندرکاران چاپ کتب بریل نیز همیشه مطرح بوده است. بر این اساس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در صدد برآمد شیوه‌نامه‌ای در این خصوص تدوین کند تا هم راه‌گشای معلمان استثنایی سراسر کشور باشد و هم به کسانی که به نحوی با نابینایان و خط بریل در ارتباط‌اند، کمک نماید.

این شیوه‌نامه براساس «دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و قوانین خط و املائی مصوب «آموزش و پرورش کل کشور» و نیز با در نظر گرفتن ویژگی‌ها، امکانات و محدودیت‌های خط بریل تنظیم شده است. این مجموعه می‌تواند منجر به افزایش دانش همکاران، هماهنگی آنان در تصحیح املا و به تبع آن تقویت املائی دانش‌آموزان شود تا زمانی که به دوره‌های تحصیلی بالاتر می‌روند و قلم به دست می‌گیرند، در نوشتن واژگان دچار مشکل نشوند.

تلاش ما بر این بوده است که شیوه‌نامه حاضر:

- ۱- علمی و مستند باشد؛ به این منظور علاوه بر مراجعه به مکتوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استفاده از نظر استادان آن نهاد، کتاب دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان را اساس کار خود قرار دادیم. افزون بر آن، قواعد نگارش و املائی مصوب آموزش و پرورش و «دایرة المعارف خطّ بریل» گردآوری شده توسط سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور نیز از مراجع اصلی تنظیم این شیوه نامه بوده است.
- ۲- از هرگونه اعمال سلیقه شخصی به دور باشد؛ بنابراین در طول کار و پس از تنظیم شیوه نامه، از نظرات ویراستاران خبره، همکاران و اهل فن استفاده کردیم.
- ۳- سهولت نوشتن و خواندن در نظر گرفته شود؛ خطّ بریل دشوارتر از بینایی نوشته و خوانده می‌شود، فضای بیشتری گرفته، کوچک‌ترین جابه‌جایی در نقطه‌ها یا سرهم و جدا نویسی نادرست، خوانش آن را کند یا مختل می‌کند. پس در این شیوه‌نامه بهترین شکل برای آسان‌تر نوشتن و خواندن واژه‌ها و اشغال فضای کمتر آن‌ها در نظر گرفته شده است.
- ۴- جامع و مانع و به عبارتی، مختصر و مفید باشد؛ تا همکاران عزیز راحت‌تر از آن بهره ببرند. از بیان علّت در قواعد خودداری و در مقابل، برای هر مورد، مثال‌های کافی آورده شده است.
- ۵- راه‌گشای همکاران و دانش‌آموزان نابینایی باشد که برای تایپ و نوشتن مطالب خود که از رایانه استفاده می‌کنند؛ همان گونه که رعایت نکردن فاصله میان واژه‌ها سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود، فاصله درون کلمه (نیم فاصله) بین اجزای ترکیبی یک واژه نیز برای درک معنا و حفظ استقلال کلمه لازم است. در خط بریل «نیم فاصله» وجود ندارد. اجزای یک واژه ترکیب شده یا به هم می‌چسبند یا جدا نوشته می‌شوند. در این مجموعه هر جا که لازم بوده در خط بینایی کلمات با نیم فاصله از هم جدا شوند- و در بریل سرهم نوشته می‌شوند- توضیح داده شده تا راهنمایی جهت استفاده از رایانه برای این دسته از کاربران باشد.

در پایان، از همکاران عزیز و استادان صاحب نظر سراسر کشور تقاضا داریم ما را از رهنمودهای ارزنده خویش بهره‌مند سازند.

قواعد کلی در تصحیح املا

- ۱- در خط فارسی برای بعضی صداها بیش از یک نشانه وجود دارد؛ مانند ت (دست)، ط (خطر) و ز (بزم)، ذ (ذرت)، ض (حضرت)، ظ (ظاهر) و... اشتباه در کاربرد این حروف، در هر مورد یک غلط به حساب می‌آید. (در صورت تکرار یک واژه نادرست، همان یک غلط محسوب می‌شود).
- ۲- حرف «و» بعد از حرف «خ» گاهی خوانده نمی‌شود؛ مانند: خواهر، خوان، خوالیگر. این حرف که «واو معدوله» نامیده می‌شود، در قدیم تلفظ خاصی داشته‌است که امروزه متداول نیست. نوشتن این «واو» در هر مورد یک غلط کامل محسوب می‌شود.
- ۳- اشتباه‌های جدا و سرهم نویسی در کلّ املا نیم غلط محسوب می‌شود.

۴- حروف فارسی دو دسته اند:

منفصل (پیوند ناپذیر) که به حرف بعد از خود نمی‌چسبد (ا، د، ذ، ر، ز، ژ، و)؛
متصل (پیوند پذیر) که به حرف بعد از خود می‌چسبد (ب، پ، ت و...).

این ویژگی در خط بریل وجود ندارد. در این خط همه حروف یک واژه بسیط، به هم پیوسته نوشته می‌شود. سرهم نویسی و جدانویسی در خط بریل با خط بینایی متفاوت است. فرهنگستان فقط مواردی را که جدا یا پیوسته نوشتن آنها الزامی است، تحت قاعده درآورده و شیوه نگارش باقی کلمات را به ذوق و سلیقه نویسندگان وا گذاشته است.

۵- در خط فارسی، علاوه بر نشانه‌های اصلی (حروف الفبا) نشانه‌های ثانوی وجود دارد که در بالا یا پایین نشانه‌های اصلی قرار می‌گیرد. نشانه‌های ثانوی عبارت‌اند از: مصوت‌های کوتاه (ـَ، ـِ، ـُ)، مد روی الف، تشدید، سکون، یای کوتاه (ء) مانند نامه من و تنوین (ـً، ـٍ، ـٌ). این نشانه‌ها در خط بریل در کنار حروف دیگر قرار می‌گیرند و حجم نوشته را افزایش می‌دهند. پس، تا آنجا که امکان دارد در هنگام ضرورت به کار می‌روند؛ از جمله هنگامی که به کارنگرفتن آنها در خط باعث ابهام و اشتباه شود.

۱- همزه

۱-۱- همزه در آغاز کلمه

همزه آغازین در فارسی همیشه به صورت «الف» نوشته می‌شود.

مثال: او، ایران.

در سال‌های اخیر همزه آغاز بعضی از کلمه‌های لاتین را به صورت «ئ» می‌نویسند.

مثال: ئیدروژن. ولی این املا خلاف قاعده است.

۱-۲- همزه در پایان کلمه

همزه پایانی در کلمه‌های عربی به کار می‌رود و شیوهٔ املای آن در فارسی به شرح زیر است:

الف- پس از مصوت کوتاه (ـَ) به صورت (أ) نوشته می‌شود.

مثال: مبدأ، منشأ

همزهٔ این نوع کلمه‌ها هنگام چسبیدن به پسوند «ی» به صورت (ئ) درمی‌آید.

مثال: مبدئی، منشئی

ب- پس از مصوت کوتاه (ـُ) به صورت (ؤ) نوشته می‌شود.

مثال: لؤلؤ، تالؤلؤ. سؤال

ج- غیر از دو مورد بالا، همزه به صورت «ء» (نقطهٔ ۳) (ء) نوشته می‌شود.

مثال: جزء، سوء، شیء

همزهٔ این دسته از کلمه‌ها نیز هنگام چسبیدن به پسوند «ی» به شکل «ئ» نوشته می‌شود.

مثال: جزئی، شیئی

همزهٔ پایانی پس از مصوت بلند «ا» طبق مصوبهٔ آموزش و پرورش باید حذف شود:

مثال: ابتدا، انشا، املا

در صورت اضافه شدن کلمه ای بعد از آن به «ی» بدل می شود.

مثال: ابتدای کار، املائی فارسی، بنای ساختمان

تذکره: چنانچه گفته شد همزه پایانی در واژه‌های فارسی به کار نمی‌رود؛ بنابراین، واژه

«بها» به معنای قیمت که فارسی است، بدون همزه نوشته می‌شود و نباید آن را با «بهاء» به معنای

روشنایی، که عربی است، اشتباه کرد.

گذاشتن همزه برای کلماتی مثل «انشا» نیم غلط در کل املا گرفته می‌شود.

۱-۳ همزه در میان کلمه

همزه در فارسی هرگز در میان کلمه یا پایان آن قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، آنچه در میان واژه‌های فارسی به‌ظاهر همزه تلفظ می‌شود، در حقیقت مصوت «ی» است و باید به صورت «ی» نوشته شود (جز در مورد واژه زائو).

مثال: آیین، پاییز، پایین، رویدن، رویین تن، بفرمایید، روشنایی.

بنابراین کلماتی مثل آئین، پائین، غلط است.

در صورت اشتباه نوشتن، نیم غلط در کل املا گرفته می‌شود.

همزه میانی در کلمه‌های گرفته شده از عربی و سایر زبان‌های بیگانه، تابع قواعدی است که در زیر شرح داده می‌شود.

الف- پس از مصوت کوتاه فتحه به صورت (الف همزه) نوشته می‌شود.

مثال: رأس، مأخذ، تأثیر

ب- پس از حروف صامت ساکن و پیش از مصوت بلند «ا» به شکل «آ» نوشته می‌شود.

مثال: قرآن، مرآت

ج- پس از مصوت کوتاه فتحه و پیش از مصوت بلند «ا» به شکل «آ» نوشته می‌شود.

مثال: منشآت، مأل، مأخذ، مآب، لالی

د- پس از مصوت کوتاه ضمه به شکل «ؤ» نوشته می‌شود.

مثال: مؤمن، رؤیا، مؤنث

ه- غیر از موارد چهارگانه فوق، همه جا به صورت «ئ» نوشته می‌شود که از این قرار است:

۱- پیش از مصوت کوتاه فتحه:

مثال: قرائت، هیئت، مسئله

۲- پس از مصوت کوتاه کسره:

مثال: ائتلاف، تبرئه، تئاتر، رئالیست

۳- پیش از مصوت کوتاه کسره:

مثال: مسائل، صائب، ملائکه، کائنات

این همزه‌ها را فارسی زبانان در بیشتر موارد با صدای «ی» تلفظ می‌کنند و می‌نویسند.

مثال: جایز، فواید، طایفه، قبایل

۴- پیش از مصوت بلند «او»

مثال: رئوس، رئوف، کاکائو، شئون

۵- پیش از مصوت کوتاه ضمه؛ این مورد فقط مربوط به کلمه‌های گرفته شده از زبان‌های غیرعربی است.

مثال: مائو مائو، لائوس، ناپلئون

اگر به جای همزه، «عین» یا حرف دیگری نوشته شود، یک غلط کامل است و اگر شکل همزه اشتباه نوشته شود، نیم غلط در کل املا گرفته می‌شود.

۲- حرف الف

۲-۱- کلمه «است»

وقتی واژه پیش از «است» به مصوت‌های «آ-او-ای» ختم شود، «است» بدون الف به آن می‌چسبد.

مثال: داناست، خوشروست، نورانیست.

همچنین صدای ء مثل رادیو: رادیوست.

مگر زمانی که معلم لازم بداند «است» جدا نوشته شود و موقع املا گفتن بخواند: «زیبا است.»

به جز موارد فوق، «است» جدا نوشته می‌شود؛ مانند: راضی است، کدام است؟

۲-۲- الف مقصوره

کلمه‌هایی را که الف مقصوره می‌گیرند می‌توان با الف کشیده نوشت. (طبق مصوب آموزش و پرورش الف کشیده درست است.)

مثال: مبتلا (به جای مبتلی)، تقوا (به جای تقوی)، هوا (به جای هوی)

استثنا: اسامی خاص و واژه‌های قرآنی مانند: مصطفیٰ، مرتضیٰ، عیسیٰ، یحییٰ، صغریٰ، کبریٰ، الیٰ، علیٰ، حتّٰی، اولیٰ

اگر دانش‌آموز این کلمات را با الف کشیده بنویسد، برای هر غلط نیم نمره و در تمام دیکته یک غلط به حساب می‌آید.

در کتاب بینایی گاه به جای استفاده از الف مقصوره، از حرف «ی» استفاده شده است. یعنی الف کوچک روی

حرف «ی» را نمی‌نویسند (مصطفیٰ)؛ اما این کار در خط بریل درست نیست؛ چون نقطه‌های (۱،۳،۵) (۲،۴) با حرف «ی» متفاوت است.

در این مورد نیز هر غلط نیم نمره است و در تمام دیکته یک غلط به حساب می‌آید.

کلمات مختوم به الف مقصوره اگر به حرف «ی» متصل شوند، الف مقصوره آنها به الف کشیده تبدیل می‌شود.

مثال: مصطفایی، یحیایی

۲-۳- الف کوتاه (خنجری)

کلمه‌های عربی مانند «زکوة، صلوة و مشکوة»، در خط بریل و بینایی، طبق مصوب آموزش و پرورش به صورت «زکات، صلات و مشکات» نوشته می‌شوند.

۳- دو شکل حرفِ صامت و صدادار «و» کنار هم

اسامی خاصی مانند طاووس، کاووس، داوود، سیاووش با دو «و» نوشته می‌شوند. نام «سیاووش» اگر به صورت «سیاووش» با «و» فتحه‌دار تلفظ شود، نوشتن آن با یک واو صحیح است. در غیر این صورت، در هر مورد نیم غلط گرفته می‌شود.

۴- مخفف صیغه‌های حال فعل «بودن» (ام، ای، ایم، اید، اند)

الف- این افعال که مضارع فعل «بودن» هستند اگر پس از واژه‌ای قرار بگیرند که به صامت ختم شوند، الف اولشان حذف می‌شود و به واژه قبل می‌چسبند.

مثال: خندان + ایم = خندانیم، رهرو + اید = رهروید.

ب- همین افعال اگر پس از واژه‌ای بیایند که مختوم به «ه» غیر ملفوظ باشد، الفشان باقی می‌ماند و جدا (با فاصله) نوشته می‌شود.

مثال: آزاده‌ایم

ج- این افعال اگر پس از واژه‌ای بیایند که مختوم به «ای» باشد، «الف» آن‌ها باقی می‌ماند و جدا نوشته می‌شود.

مثال: کاری‌ام، کاری‌ای، کاری‌اید. کاری‌اند؛ همان گونه که می‌نویسیم: کاری است

د- اگر پس از کلمه‌ای بیایند که مختوم به صدای «ای» باشد نیز الفشان باقی می‌ماند و جدا نوشته می‌شود.

مثال: تیزی‌ایم، تیزی‌ای، تیزی‌اید. تیزی‌اند، تیزی است

ه- اگر پس از واژه‌ای بیایند که به مصوت «الف» یا «واو» ختم شود، الف آن‌ها به «ی» تبدیل می‌شود.

مثال: توانا + ام = توانایم دانشجو + اند = دانشجویند

۵- ای (ندا)

حرف ندا از منادای خود جدا نوشته می‌شود.

مثال: ای خدا، ای انسان

۶- این، آن

واژه‌های این و آن که ضمیر یا صفت اشاره هستند، جدا از کلمه بعد نوشته می‌شوند.

مثال: این همه، آن راه، این چنین، آن گونه، این جانب

واژه مرکبی که با این و آن ساخته شده باشد، تابع قاعده واژه‌های مرکب است و سرهم نوشته می‌شود.

مثال: اینجا، آنجا، اینکه، آنکه، آنچه

ترکیب «آن که» اگر به معنای «آن کس» باشد، جدا نوشته می‌شود.

مثال: آن که پامال جفا کرد چو خاک راهم خاک می‌بوسم و عذر قدمش می‌خواهم

۷- «ب» پیشوند

الف- «ب» جزء پیشین فعل، متصل به فعل نوشته می‌شود.

مثال: ببینم، بنشین

ب- هنگامی که فعل با حرف «آ» آغاز شود، با پیوستن «ب» بر سر آن «آ» به «الف» تبدیل می‌شود و

صامت میانجی «ی» میان «ب» و «الف» قرار می‌گیرد.

مثال: بیاموز، بیاورید که در اصل «ب آموز» و «ب آورید» بوده است.

ج- هنگامی که فعل با حرف «الف» آغاز شود و حرف «ب» بر سر آن آید، حرف «الف» حذف می‌شود و به

جای آن صامت میانجی «ی» می‌آید.

مثال: ببندازیم، بیفکند

د- حرف «ب» که در آغاز بعضی از ترکیبات عربی می‌آید، حرف اضافه فارسی نیست بلکه حرف جر است و بنابراین، به کلمه بعد می‌چسبد.

مثال: بشخصه، برأی‌العین، بعینه، بنفسه، بذاته

۸- «به» حرف اضافه

الف- «به» حرف اضافه جدا از کلمه بعد نوشته می‌شود.

مثال: به نام خدا، به او، جا به جا، در به در، به طرف، به سوی، روبه‌رو

ب- در گروه اسمی و فعلی و قیدی هم جدا نوشته می‌شود: به‌سر بردن، به‌هم خوردن

ج- در قید: به‌سختی، به‌حق

د- در پیوند میانی (میان‌وند): منزل به منزل، قدم به قدم

ه- در صفت: به‌قاعدہ

استثنا: در موارد نادری که «به» بر سر اسم می‌آید و آن را به صفت یا قید تبدیل می‌کند، پیوسته به واژه بعد نوشته می‌شود.

مثال: بهوش (هوشمند)، بجا (مناسب)، بسزا، بسامان، بنام (نامی)، بقاعده، بهنجار (قاعدہ‌مند)، بخرد (خردمند)

این «به» معمولاً معنی «با» دارد و دارندگی را نشان می‌دهد.

و- حرف اضافه «به» هنگامی که قبل از ضمیر سوم شخص و ضمیر «این و آن» قرار

می‌گیرد گاهی با صامت میانجی «د» همراه است. در این موارد، به صورت «ب» چسبیده به صامت میانجی

«د» نوشته می‌شود.

مثال: بدو، بدیشان، بدین، بدان، بدانها

۹- حرف «بی»

«بی» در خط بریل متصل به واژه بعد نوشته می‌شود و تنها در مورد واژه‌هایی که با حرف الف آغاز می‌شوند، با فاصله به کار می‌رود.

مثال: بیقرار، بیدرنگ، بی انتها، بی اندازه، بی اختیار.

در مورد کلماتی که با «آ» شروع می‌شوند، پیشوند «بی» متصل به آن‌ها نوشته می‌شود.

مثال: بی‌آغاز، بی‌آنکه، بی‌آزار.

توجه! اشتباه‌های جدا و سر هم نویسی در کل آملانیم غلط محسوب می‌شود.

۱۰- تای گرد

به کار بردن تای گرد در پایان کلمه‌های عربی، در بریل تابع کتاب بینایی است.

مثال: حجة الاسلام، دایرة المعارف، حجة الوداع

طبق مصوب آموزش و پرورش، در اسم‌های خاص (عزت الله، نصرت‌الدین) و بعضی القاب و عناوین (آیت‌الله، حجت الاسلام) و بعضی ترکیب‌های عربی (مثل راحت الحلقوم) بهتر است به جای (ة) از تای کشیده استفاده شود.

۱۱- «تر» و «ترین»

پسوندهای تر و ترین در بریل همیشه به واژه پیش از خود می‌چسبند؛ مثل: آسان‌تر، درشت‌تر. (این واژه‌ها در خط بینایی با نیم فاصله نوشته می‌شود). مگر آن‌که واژه به «های غیر ملفوظ» ختم شود، که در این صورت در خط بریل جدا و در بینایی با نیم فاصله نوشته می‌شود؛ مثال: تازه‌تر، ساده‌تر.

۱۲- «تنوین»

الف - علامت تنوین نصب: در کلمه‌های عربی متداول در فارسی، همه جا بعد از «الف» قرار می‌گیرد و با

نقطه‌های ۲،۳ () نوشته می‌شود.

مثال: کاملاً، اتفاقاً، موقتاً، حقاً

ب - «ة گرد» کلمات عربی، در فارسی به «ت» تبدیل می‌شود. سپس، «الف» به آن اضافه می‌شود و تنوین

نصب (نقطه‌های ۲ و ۳) () می‌آید.

مثال: حقیقتاً، نسبتاً، عمدتاً

ج - کلمه‌هایی که به «همزه تنها» ختم می‌شوند، پس از همزه آنها، تنوین قرار می‌گیرد و استفاده از الف

لازم نیست.

مثال: جزء، ابتداءً، استثناءً

د - علامت تنوین رفع نقطه‌های ۲،۶ () است که در آخر کلمه نوشته می‌شود.

مثال: مضاف الیه، معظم له

البته این تنوین در بسیاری موارد گذاشته نمی‌شود.

مثال: مسندالیه

۱۳- «چه»

الف - «چه» جدا از واژه بعد از خود نوشته می‌شود؛ مثل: چه سان، چه کردی؟ چه کنم؟

مگر در بعضی از واژه‌های مرکب:

مثال: چطور، چگونه، چقدر، چرا (به معنی برای چه)

ب - «چه» جدا از واژه قبل از خود نوشته می‌شود؛ مگر در واژه‌های آنچه و چنانچه

«چه» در صورتی که پسوند تصغیر باشد، همیشه به کلمه قبل از خود می‌چسبد.

مثال: بازیچه، بازارچه، باغچه

۱۴- «را»

«را» همواره جدا از کلمه قبل از خود نوشته می‌شود.

مثال: آن را، کتاب را

استثنا: کلمه «چرا»

تذکره ۱: کلمه «چرا» به معنی «برای چه» با ترکیب «چه را» به معنی «چه چیز را» که جدا نوشته می‌شود، متفاوت است.

مثال: ۱- چه را برداشتی؟ یعنی چه چیز را برداشتی؟

۲- چرا برداشتی؟ یعنی برای چه برداشتی؟

تذکره ۲: در بعضی متون ادبی، ترکیب «تو را» به صورت «ترا» نوشته شده‌است که در این صورت در بریل هم به همین شکل می‌نویسیم. در بقیه موارد حتماً باید جدا نوشته شود.

۱۵- ضمایر ملکی

الف- ضمایر ملکی «م، ت، ش، مان، تان، شان» که آن‌ها را ضمایر متصل نیز می‌نامند، به واژه قبل از خود می‌چسبند.

مثال: کتابم، کتابمان

ب- پس از واژه‌ای که به «های غیر ملفوظ» ختم می‌شود، ضمایر ملکی در خط بریل بدون تغییر و با فاصله و در خط بینایی با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

مثال: خانه‌تان، خانه‌اش، جامه‌ام

ج- اگر ضمیر ملکی پس از کلمه ای قرار بگیرند که مختم به مصوت های «ا» و «او» باشد، ابتدا حرف «ی» (حرف میانجی)، اضافه می‌شود و ضمیر ملکی به آن می‌چسبد.

مثال: کتابهایش، گفتگویتان.

د- در کلمه‌هایی که به مصوت «ای» ختم می‌شوند، ضمیر ملکی در خط بریل بدون حذف و اضافه به آن‌ها می‌چسبد.

مثال: بارانیم، بارانیشان. (در خط بینایی با نیم فاصله می‌آید: بارانی‌ام)

۱۶- کسره اضافه

الف- کسره اضافه بعد از واژه‌ای که به «های غیر ملفوظ» ختم می‌شود، طبق مصوب فرهنگستان زبان به صورت (ء) (نقطه ۳) می‌آید. این (ء) صورت کوتاه شده صامت میانجی (ی) است.

مثال: خواننده روزنامه، جامه سیاه

توضیح: در کتاب‌های دوره ابتدایی برای سهولت آموزش، صامت میانجی (ی) را به شکل اصلی خود می‌نویسند: لانه‌ی پرنده.

ب- کسره بعد از حرف «الف» نیز به واج میانجی «ی» نیاز دارد: علمای بزرگ.

شکل «علماء بزرگ و املاء کلمه» نادرست است و نیم غلط محسوب می‌شود.

تذکر: کلمه‌هایی که به همزه تنها ختم می‌شوند، در حالت اضافه نیز همزه خود را حفظ می‌کنند.

مثال: شیء عجیب، جزء ناچیز، سوء نیت

۱۷- «که»

الف- «که» جدا از واژه قبل از خود نوشته می شود؛ مگر در بعضی واژه‌های مرکب.

مثال: بلکه، اینکه، آنکه

وقتی که، در حالی که، به طوری که، به صورت جدا نوشته می‌شوند.

و واژه‌های مرکب «چنانکه» و «همینکه» را در خط بریل باید سر هم نوشت.

ب- در شعر، ترکیب «که او» به صورت «کاو» و «که این» به صورت «کاین» و «که آن» به صورت «کان»

نوشته می‌شود.

مثال: کان = که آن / کاین = که این / کاو = که او / کاندر = که اندر

هیچ گاه نباید حرف الف این واژه‌ها را حذف کرد و آن‌ها را به شکل «کو» به معنای کجاست و «کین» به

معنی دشمنی را نوشت.

۱۸- واژه‌های مرکب

اجزای کلمه مرکب در خط بریل معمولاً پیوسته نوشته می‌شوند؛ در حالی که در خط بینایی اغلب با

نیم‌فاصله می‌آیند؛ مانند: پنج‌ساله و دانش‌آموز که در خط بینایی با نیم فاصله نوشته می‌شود، در بریل سرهم

است.

تعدادی از واژه‌های مرکب چه در خط بینایی و چه بریل باید بدون فاصله و متصل به هم نوشته شوند:

۱- ترکیب‌های نهادی شده؛ مانند: بهیار، ایلخان.

۲- ترکیب‌های بسیط گونه؛ مانند: اردیبهشت، آبرو، گلاب، کهربا، پانصد، بزرگداشت، دستاورد، یکشنبه،

رختخواب.

۳- ترکیب‌های اسم خاص یا در حکم آن؛ مانند: بزرگمهر، آبگرم رامسر

کلمات مرکب در موارد زیر در خط بریل جدا و در بینایی با نیم‌فاصله نوشته می‌شود:

الف- در مواردی که جزء اول واژه به «های غیر ملفوظ» ختم شود.

مثال: خنده‌دار، بهره‌ور، سه شنبه

ب- در مواردی که جزء دوم واژه با الف شروع شود.

مثال: هم‌اتاق، روح‌انگیز

ج- در مصادر و فعل‌های مرکب.

مثال: بزرگ داشتن، چشم پوشیدن، نگه داشتن

تذکره: کلماتی که از مصدر افعال ساخته شده‌اند، در بریل و بینایی سر هم نوشته می‌شوند.

مثال: دل‌داده (صفت مفعولی)، دل‌دار (صفت فاعلی)، دستگیره (اسم آلت).

د- در عبارت‌ها و ترکیب‌های عربی استفاده شده در فارسی، چه در خط بریل و چه بینایی، کلمه‌های

مستقل جدا از هم نوشته می‌شوند.

مثال: ان‌شاء الله، عن‌قریب، علی‌حده، من‌جمله، مع‌هذا، ابوالفضل

البته کلماتی که معنی واحد داشته باشند، سرهم نوشته می‌شوند.

مثال: ابیطالب، علیرغم

مگر اینکه جزء دوم آن‌ها با «ال» آغاز شود که حتماً باید جدا از هم نوشته شوند.

مثال: ابو‌الفضل، بین‌المللی، یدالله

ه- در کلمات مرکب، در مواردی که حروف انتهایی یک جزء و ابتدای جزء بعد یکسان یا مشابه باشند، بهتر

است اجزای کلمه‌ها به صورت جدا از هم نوشته شوند.

مثال: هم معنی، روان‌نویس

در خط بریل همه کلمات مرکب سرهم و بدون فاصله نوشته می‌شوند؛ به‌جز کلماتی که قسمت دوم آن‌ها با

حرف «الف» شروع می‌شود؛ مانند: کار‌افزار.

اگر قسمت دوم با «آ» شروع شود، بدون فاصله می‌آید؛ مانند: کارآمد و دانش‌آموز.
واژه‌های مرکبی که سرهم نویسی آن‌ها در خط بریل دشواری در خواندن ایجاد می‌کند، باید با فاصله نوشته شود

مثال: نم نمک. (این واژه‌ها را در بینایی با نیم‌فاصله می‌نویسیم.)

ترکیب‌های اضافی و وصفی همیشه جدا نوشته می‌شوند:

جناب عالی، حضرت عالی، این جانب و...

اشتباه‌ها در سرهم نویسی و جدا نویسی واژه‌ها نیم نمره و حد اکثر یک نمره در کل املا حساب می‌شود.

۱۹- مصوت مرکب «او» = OW

کلمات مختوم به مصوت مرکب OW هنگام اضافه شدن، بدون «ی» نوشته می‌شوند ولی در خواندن، OW در آن‌ها به «او» = «OV» تبدیل می‌شود.

مثال: دو صد متر، لباس نُوَم، خسروان

توضیح: حرف «و» اگر برای بیان حرکتِ ما قبلِ خود به کار رود، سه نوع است:

۱- مصوتِ کوتاه؛ مانند: تو، چو، دو (= عدد ۲)

۲- مصوتِ مرکب؛ مانند: اوج، گوهر، روشن، نو (مثلاً در نوروز)

۳- مصوتِ بلند؛ مانند: مور، روز، لیمو

۲۰- «می، همی»

«می» در بریل متصل به فعل نوشته می‌شود اما در خط بینایی آن را با نیم‌فاصله می‌نویسند.

مثال: می‌گویم، می‌رفتند

«همی» در خط بریل و بینایی از فعل جدا نوشته می‌شود: همی‌رفتند.

در مواردی که فعل با «الف» شروع می‌شود، پیشوند «می» و «همی» جدا از آن‌ها نوشته می‌شود.

مثال: می‌اندازد، همی‌افکند.

۲۱- حرف «ن» علامت نفی

«ن» نفی و جزء پیشین فعل، در خط بریل و بینایی پیوسته به فعل نوشته می‌شود.

مثال: نخوانیم، نگوید، ننویسد

هنگامی که فعل با حرف «آ» آغاز شود، در صورت پیوستن «ن» برسر آن، «آ» به الف تبدیل شده، صامت

میانجی «ی» میان «ن» و «الف» قرار می‌گیرد.

مثال: نیامد

در صورتی که فعل با حرف «الف» آغاز شود و حرف «ن» برسر آن بیاید، حرف «الف» حذف می‌شود و به

جای آن صامت میانجی «ی» می‌آید.

مثال: نیفتی، نیفکن

حرف ربط همپایگی که به صورت مکرر (نه نه) به کار می‌رود، جدا نوشته می‌شود.

مثال: نه می‌خورم نه می‌نوشم.

۲۲- «ه» غیر ملفوظ

الف) «ه» غیر ملفوظ - که شکل دیگری از صدای کسره است - هنگام اتصال به پسوند «ان» و «ات» جمع و

حرف «ی» به صدای کسره تبدیل می‌شود و واج میانجی «گ» قبل از پسوند قرار می‌گیرد.

مثال: بندگان، شنوندگان، هفتگی، آزادگی، زندگی

ب- «ی» صفت ساز و «ی» نکره یا وحدت، برای اتصال به «ه» غیر ملفوظ به واج میانجی «الف» نیاز دارند.

مثال: سرمه‌ای، دسته‌ای، نامه‌ای.

(بین الف و ها در خط بینایی نیم فاصله و در بریل یک فاصله است)

ج- «ه» غیر ملفوظ پیش از پسوند حذف نمی‌شود و با فاصله از آن در خط بریل و با نیم‌فاصله در بینایی نوشته می‌شود.

مثال: علاقه‌مند، بهره‌مند، بهره‌ور، دیده‌بان

د- «ه» غیر ملفوظ به «های جمع» نمی‌چسبد.

مثال: جامه‌ها، خانه‌ها

تذکره: حرف «ه» در پایان بسیاری از کلمات ملفوظ است؛ مانند: راه، گروه و... در این صورت، به «های» جمع و پسوند «ی» می‌چسبد؛ یعنی پیوسته به حرف بعد نوشته می‌شود.

مثال: راه‌ها، ماه‌ها، گروهی، موج‌هی

«ه» ملفوظ (مانند فرمانده یا بازده) با غیر ملفوظ (مانند پرنده) تفاوت دارد. پس در حالت اضافه (مثل لانه پرنده) همزه نمی‌گیرد.

این مطلب به‌خصوص در مورد «ده» یعنی بن مضارع فعل «دادن» و مشتقات و ترکیبات آن در خور توجه است.

مثال: فرمانده، بازده

بنابراین، باید نوشت: فرمانده سپاه (بدون همزه) و نباید نوشت فرمانده سپاه.

۲۳- «ها»ی جمع

این علامت در خط بریل به واژه پیش از خود می‌چسبد.

مثال: کتاب‌ها، آن‌ها، ماه‌ها. (در خط بینایی با نیم‌فاصله است).

مگر در موارد زیر که در خط بریل نیز جدا نوشته می‌شود:

الف- بعد از واژه‌هایی که به «ه» غیر ملفوظ ختم می‌شوند.

مثال: نامه‌ها، خانه‌ها، مسئله‌ها

ب- بعد از واژه‌ای که در گیومه باشد.

مثال: «ایرانی»ها، «متمدن»ها

یادآوری: «ها»ی جمع در خط بینایی در همه موارد با نیم‌فاصله می‌آید.

۲۴- هم

«هم» در خط بریل و بینایی از واژه‌های قبل و بعد از خود، جدا نوشته می‌شود.

مثال: از او هم پرسید.

تذکره ۱: واژه «هم» اگر به صورت حرف ربط مکرر به کار رود (هم...هم..) در بریل و بینایی از کلمه بعد از

خود جدا نوشته می‌شود.

مثال: هم این را خوانده‌ام هم آن را.

تذکره ۲: اگر «هم» پیشوند باشد، معمولاً به واژه بعد از خود پیوسته نوشته می‌شود.

مثال: هماهنگ، همچنین، همچنان، همین، همان، همراه، همشهری

۲۵- همین - همان

همین و همان در خط بریل و بینایی جدا از واژه بعد از خود نوشته می‌شوند.

مثال: همین طور، همان روز، همان گونه، همین رو

استثنا: کلمات همینجا، همانجا، همینکه، همانکه در خط بریل سرهم نوشته می‌شوند.

۲۶- پسوند «ی»

حرف «ی» در فارسی چند حالت دستوری دارد: مصدری، نسبت، نکره، وحدت.

اگر «ی» بعد از واژه‌هایی بیاید که به مصوت «ا» و «او» ختم می‌شوند، قبل از مصوت صامت میانجی «ی» می‌آید و به صورت «یی» نوشته می‌شود.

مثال: چاره‌جویی، آسیایی، ماهرویی

واژه «طوطی» با «ی» طبق دستور فرهنگستان به صورت «طوطی‌ای» نوشته می‌شود.
«ی» بعد از «ه» غیرملفوظ (که صدای کسره دارد) به صورت «ای» و با فاصله نوشته می‌شود؛
مثال: نامه‌ای.

اگر «ی» بعد از کلمه‌ای بیاید که به مصوت «او=OW» ختم شود، به همان صورت «ی» نوشته می‌شود.

مثال: رهروی

اگر مصوت «ای» بعد از واژه‌ای بیاید که به صامت «ی» ختم شود، در خط بریل با یک فاصله و در خط بینایی طبق تصویب فرهنگستان با نیم فاصله نوشته می‌شود.

مثال: نی: نی‌ای و پی: پی‌ای

۲۷- تشدید

گذاشتن تشدید در مواردی که معنی واژه را تغییر دهد، ضروری است؛ مانند: معین و معین.

تشدید کم یا زیاد یا جابه‌جایی نادرست آن در تمام املاهای بریل یا بینایی حد اکثر نیم غلط به حساب آید.

۲۸- غلط‌های املائی (حذف و جابه‌جایی حروف)

۱- اگر حروف کلمه‌ای غلط نوشته شود، کلمه‌ای از قلم بیفتد یا یکی از حروف آن جا بیفتد یا قابل خواندن نباشد، در بریل و بینایی یک غلط محسوب می‌شود؛ مانند: ائجاب به جای اعجاب.

۲- در صورتی که نقطه هایی کم و زیاد شود به طوری که ایجاد غلط املائی از نظر شباهت صدا نکند؛ مثلاً به جای «م» در ممارست حرف «ک» نوشته شود: مکارست به جای ممارست (نقطه‌های ۱،۳) () به جای ۱،۳،۴ () یک مورد و در تمام املا نیم غلط محسوب شود.

۳- اگر کلمهٔ املائی یک بار درست و یک بار نادرست در کنار هم نوشته شود بدون آنکه صورت نادرست (دو حرف آخر کلمه) شش نقطه () شده باشد، یک غلط به حساب می‌آید.

۴- در صورتی که واو معدوله در کلماتی مثل «خواهر، استخوان، خواستن» حذف شود، یک غلط به حساب می‌آید.

منابع:

- ۱- قواعد نگارش و املائی مصوّب آموزش و پرورش و «دایرة المعارف خطّ بریل» گردآوری، ظروفی و همکاران. ۱۳۹۰ سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور
- ۲- دستور خط فارسی مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۳۹۰. نشر آثار. چاپ نهم